
عکس: ایرنا

مشکلات شغلی و معیشتی و کاستی‌های بازنشستگی محیطبانان یکی‌دو تا نیست

در دشت تنها، در کوه تنها، در شهر تنها

گزارش

نادر نینوایی
گروه زیست‌بوم

هنوز آفتاب کاملاً طلوع نکرده است که محیطبان راهی منطقه حفاظت‌شده می‌شود؛ مسیرهای سنگلاخی را پشت سر می‌گذارد، از ارتفاعات بالا می‌رود و ساعت‌ها در دشت و کوهستان به گشتزنی می‌پردازد. گاهی در گرمای طاقت‌فرسای تابستان و سرمای زمستان، دور از خانواده و امکانات اولیه، مسئولیت حفاظت از حیات‌وحش و زیستگاه‌های طبیعی ایران را بر عهده دارد و گاهی نیز در مواجهه با متخلفان و شکارچیان غیرمجاز، سلامت و جانش به مخاطره می‌افتد. اما دشواری محیطبانی تنها به شرایط سخت طبیعت و مواجهه با متخلفان محدود نمی‌شود. حقوق ناکافی، کمبود نیروی انسانی برای پوشش کامل همه مناطق حفاظت‌شده، فرسودگی خودروها، تجهیزات نامناسب، مشکلات استخدامی و نگرانی از پیامدهای حقوقی مأموریت‌ها، بخش دیگری از واقعیت زندگی این نیروهاست؛ افرادی که مسئولیت حفاظت از سرمایه‌های طبیعی کشور را بر عهده دارند، اما خود با کمبود امکانات و حمایت‌های لازم مواجه‌اند. روز محیطبان فرصتی است تا به جای اکتفا به تقدیر و تجلیل صرف از این قشر، مشکلات و مطالبات آنان مورد توجه قرار گیرد. چراکه فداکاری محیطبانان، هرچند ارزشمند، نمی‌تواند جایگزین حقوق متناسب، تجهیزات استاندارد، نیروی انسانی کافی و حمایت قانونی شود. روزنامه ایران به مناسبت روز محیطبان (۸ آبان)، در گفت‌وگو با سجاد جلالی، رئیس اداره حفاظت محیط زیست دشت‌آزادگان و محیطبان باسابقه، جواد شکوهی محیطبان و یک محیطبان دیگر که نخواست نامش منتشر شود، به بررسی مهم‌ترین چالش‌های این حرفه پرداخته است؛ چالش‌هایی که از معیشت و امنیت شغلی آغاز می‌شود و تا کمبود امکانات، مخاطرات جسمی، مشکلات قانونی و شرایط بازنشستگی ادامه می‌یابد. روایت این محیطبانان نشان می‌دهد حفاظت مؤثر از طبیعت، پیش از هر چیز به تأمین نیروی انسانی، امکانات مناسب، آموزش مستمر و حمایت‌های حقوقی و معیشتی از نیروهای خط مقدم حفاظت از طبیعت ایران نیاز دارد.

حقوق ۲۰ تا ۲۵ میلیونی در برابر مسئولیت‌های سنگین

سجاد جلالی، رئیس اداره حفاظت محیط‌زیست دشت‌آزادگان که بیش از دو دهه سابقه فعالیت به عنوان محیطبان دارد، پایین بودن حقوق و مزایا را یکی از مهم‌ترین مشکلات این قشر می‌داند. او در کنار مشکلات معیشتی، به کمبود نیروی انسانی و تجهیزات و بلاتکلیفی استخدامی برخی نیروها نیز اشاره می‌کند. جلالی با تأکید بر تناسب نداشتن حقوق دریافتی محیطبانان با دشواری‌ها و خطرهای شغلی آنها می‌گوید: «حقوق و مزایای این نیروها با سختی‌هایی که در مسیر حفاظت از طبیعت با آن مواجه‌اند، تناسب ندارد و همین مسأله فشار معیشتی زیادی به آنها تحمیل می‌کند.» به گفته او، دریافتی حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیون تومانی برخی محیطبانان پاسخگوی هزینه‌های زندگی نیست و بروز یک بیماری یا اتفاق پیش‌بینی‌نشده در خانواده می‌تواند مشکلات اقتصادی جدی برای آنها ایجاد کند؛ به‌طوری که این میزان حقوق حتی ممکن است هزینه‌های چند روز زندگی را نیز پوشش ندهد. این در حالی است که محیطبانان در تمام ساعات شبانه‌روز و در شرایط دشوار محیطی مسئولیت حفاظت از گونه‌های ارزشمند و زیستگاه‌های طبیعی را بر عهده دارند؛ مسئولیتی که به اعتقاد جلالی، با وضعیت حقوق دریافتی آنها تناسب ندارد.

مانعی در مسیر حفاظت

رئیس اداره حفاظت محیط زیست دشت‌آزادگان، کمبود نیروی انسانی و امکانات را از دیگر چالش‌های جدی این حوزه می‌داند و معتقد است، وسعت مناطق حفاظت‌شده و محدود بودن تعداد محیطبانان، فشار کاری زیادی بر نیروهای موجود وارد کرده است. به گفته جلالی، هر محیطبان گاهی مسئولیت محدوده‌ای فراتر از ظرفیت متعارف یک محیطبان را بر عهده می‌گیرد. از سوی دیگر، تجهیزات موجود نیز پاسخگوی نیازهای عملیاتی نیست و نیروها در برخی مأموریت‌های پرخطر، با امکانات محدود در برابر متخلفان مسلح قرار می‌گیرند. او همچنین با اشاره به وضعیت استخدامی برخی نیروها می‌گوید: «بخشی از محیطبانان همچنان به صورت قراردادی یا پیمانکاری فعالیت می‌کنند و از ثبات شغلی کافی برخوردار نیستند. این وضعیت در کنار مخاطرات حرفه محیطبانی و مشکلات معیشتی، نگرانی‌های بیشتری برای این نیروها ایجاد می‌کند.»

دو مطالبه مهم محیطبانان

جواد شکوهی، یکی دیگر از محیطبانان باسابقه کشور نیز پایین بودن حقوق و مزایا را از مهم‌ترین مشکلات همکاران خود می‌داند. به گفته او، محیطبانان در شرایط دشوار آب‌وهوایی و محیطی فعالیت می‌کنند و با مخاطرات مختلفی روبه‌رو هستند، اما دریافتی آنها تناسبی با سختی کارشان ندارد. او معتقد است: «نگرانی درباره هزینه‌های زندگی و تأمین مخارج خانواده می‌تواند تمرکز و انگیزه محیطبانان را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو، بهبود وضعیت معیشتی و امنیت شغلی این نیروها تنها یک مطالبه صنفی نیست، بلکه با کیفیت حفاظت از محیط‌زیست نیز ارتباط مستقیم دارد.» شکوهی همچنین با اشاره به دشواری‌های جسمی و محیطی این حرفه، خواستار بازنگری در شرایط بازنشستگی و لحاظ شدن محیطبانی به عنوان مشاغل سخت و زیان‌آور شد. او بازنشستگی زودتر از موعد را فرصتی برای ورود نیروهای جوان دانست و بر ضرورت انتقال تجربه محیطبانان باسابقه به نسل جدید تأکید کرد.

به اعتقاد او، ترکیب تجربه نیروهای قدیمی با توان و انگیزه نیروهای جوان می‌تواند توان عملیاتی مجموعه حفاظت محیط‌زیست را افزایش دهد.

> گشت‌های طولانی در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور، دوری از خانواده، مواجهه با حوادث طبیعی و احتمال برخورد با شکارچیان غیرمجاز، بخش جدایی‌ناپذیر این حرفه است در حالی که امکانات و دریافتی محیطبانان پاسخگوی این شرایط نیست

نگرانی از پیامدهای استفاده از سلاح

یکی دیگر از مشکلاتی که شکوهی به آن اشاره می‌کند، ابهام‌ها و کاستی‌های قانونی در زمینه استفاده از سلاح است. به گفته او، محیطبانان در موقعیت‌های پرخطر، علاوه بر مواجهه با متخلفان، نگران پیامدهای حقوقی و قضایی اقدامات ناگزیر خود نیز هستند. او با تأکید بر ضرورت بازنگری در قوانین مربوط به استفاده از سلاح، خواستار شفاف‌سازی حدود اختیارات و مسئولیت‌های محیطبانان و برخورداری آنها از حمایت قانونی هنگام انجام وظیفه شد تا در موقعیت‌های حساس با بلاتکلیفی مواجه نباشند. شکوهی همچنین معتقد است: «جذب نیروهای جدید باید بر اساس علاقه، انگیزه و شناخت واقع‌بینانه از شرایط این حرفه انجام شود. حضور در مناطق صعب‌العبور، تحمل شرایط دشوار آب‌وهوایی و مواجهه با خطرهای مختلف، آمادگی و علاقه واقعی می‌طلبد.» به باور او، مدرک تحصیلی و استخدام به‌تنهایی برای موفقیت در محیطبانی کافی نیست و شناخت مسئولیت‌ها و دشواری‌های این شغل باید در انتخاب نیروهای جدید مورد توجه قرار گیرد.

وقتی محیطبان با شکارچی مسلح روبه‌رو می‌شود

یک محیطبان دیگر که نخواست نامش منتشر شود، معتقد است: «فاصله قابل توجهی میان مسئولیت‌ها و مخاطرات این حرفه با حقوق، مزایا و امکانات موجود وجود دارد.» او کمبود تجهیزات، ضعف پشتیبانی عملیاتی، مشکلات حقوقی و تهدیدهای جانی را از مهم‌ترین چالش‌های نیروهای حفاظت محیط زیست می‌داند. به گفته او، گشت‌های طولانی در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور، دوری از خانواده، مواجهه با حوادث طبیعی و احتمال برخورد با شکارچیان غیرمجاز، بخش جدایی‌ناپذیر این حرفه است؛ در حالی که امکانات و حقوق دریافتی محیطبانان پاسخگوی این شرایط نیست. او تأکید می‌کند: «مشکلات تنها به حقوق ماهانه محدود نمی‌شود و فرسودگی خودروها، کمبود تجهیزات تخصصی، نامناسب بودن امکانات رفاهی پاسگاه‌ها، ضعف زیرساخت‌های ارتباطی و کمبود نیروی انسانی نیز بر کیفیت حفاظت از طبیعت تأثیر می‌گذارد.» این محیطبان با اشاره به خطر مواجهه با شکارچیان غیرمجاز می‌گوید: «چنین برخوردهایی گاهی در تاریکی شب و در مناطق دورافتاده اتفاق می‌افتد؛ مناطقی که دسترسی سریع به نیروی کمکی یا امکانات درمانی در آنها وجود ندارد.» به اعتقاد او، آمادگی محیطبانان برای مأموریت‌های پرخطر نباید صرفاً به در اختیار داشتن تجهیزات اولیه محدود شود، بلکه آموزش مستمر در زمینه مدیریت بحران، کنترل تنش، کمک‌های اولیه و امداد در طبیعت، همراه با تجهیزات ارتباطی مطمئن، خودروهای مناسب و پشتیبانی سریع عملیاتی ضروری است.

او تأکید می‌کند: «نمی‌توان انتظار داشت یک محیطبان به‌تنهایی کمبودهای مدیریتی و حفاظتی را جبران کند. امنیت نیروهای حفاظت محیط زیست باید حاصل یک نظام پشتیبانی منسجم باشد تا پیش از وقوع حوادث برای آن برنامه‌ریزی شده باشد.»

ضرورت حمایت قضایی

این محیطبان با اشاره به مقررات حوزه حفاظت محیط زیست می‌گوید: «اگرچه قوانین و مقرراتی برای حمایت از محیطبانان و مقابله با تخلفات زیست‌محیطی وجود دارد، اما نحوه اجرای آنها و میزان کارآمدی حمایت‌های قانونی در عمل، اهمیت بیشتری دارد.» به گفته او، محیطبان باید وظایف خود را در چارچوب قانون و با رعایت حقوق تعیین شده انجام دهد و در مقابل، از حمایت حقوقی و قضایی روشن، سریع و منصفانه برخوردار باشد. دسترسی به مشاوره حقوقی تخصصی و پشتیبانی سازمانی نیز برای نیروهایی که به دلیل انجام وظیفه با شکایت یا اتهام مواجه می‌شوند، ضروری است. او البته تأکید می‌کند: «حمایت قضایی نباید به معنای مصونیت محیطبان از پاسخگویی باشد، بلکه باید حقوق قانونی این نیروها حفظ شود و عملکردشان بر اساس قانون و اصول دادرسی عادلانه مورد بررسی قرار گیرد.»

فراتر از وعده و تقدیر

این محیطبان مهم‌ترین مطالبه خود از دولت و سازمان حفاظت محیط زیست را اصلاح ساختار حمایت از نیروهای حفاظتی می‌داند. به گفته او، محیطبان باید علاوه بر حضور در خط مقدم حفاظت از طبیعت ایران، از معیشت متناسب، امنیت شغلی و پشتیبانی عملیاتی واقعی برخوردار باشد.

او معتقد است: «سازمان حفاظت محیط‌زیست باید به جای محدود کردن توجه به محیطبانان به مناسبت‌های تقویمی، برنامه‌ای عملیاتی و قابل ارزیابی برای بهبود شرایط آنان تدوین کند. اصلاح حقوق و مزایا، تأمین تجهیزات استاندارد، نوسازی ناوگان، تکمیل نیروی انسانی، بهبود وضعیت پاسگاه‌ها و توجه به سلامت جسمی و روانی نیروها باید در این برنامه مورد توجه قرار گیرد.» به باور او، حمایت از محیطبانان نباید به تصمیم‌های مقطعی و سلیقه‌ای وابسته باشد، بلکه لازم است بر اساس دشواری مأموریت‌ها و میزان خطرات شغلی، سازوکاری پایدار برای تأمین نیازهای این قشر تعریف شود.

فرصتی برای سنجش عملکرد مدیران

این محیطبان تأکید می‌کند: «روز محیطبان نباید تنها به تقدیر و تجلیل از نیروهای حفاظتی محدود شود، بلکه باید فرصتی برای ارزیابی عملکرد مدیران و میزان مسئولیت‌پذیری دستگاه‌های متولی در قبال سلامت و جان، معیشت و امنیت شغلی این نیروها باشد.»

به گفته او، محیطبان توانمند، برخوردار و مجهز، پشتوانه حفاظت از طبیعت است؛ اما حتی فداکارترین نیروها نیز نمی‌توانند جای خالی مدیریت کارآمد، نیروی انسانی کافی و امکانات استاندارد را پر کنند.

حفاظت از طبیعت تنها به حضور محیطبانان در کوه و دشت وابسته نیست؛ این مأموریت زمانی می‌تواند به‌درستی انجام شود که نهادهای مسئول نیز به همان اندازه که از نیروهای حفاظتی انتظار فداکاری دارند، برای تأمین امنیت، امکانات، معیشت و کرامت آنان مسئولیت بپذیرند.



درپی توقف طرح جذب گردشگران افغانستانی انجام شد

نامه‌نگاری وزیر میراث فرهنگی برای اصلاح سیاست صدور ویزا

گزارش خبری

رئیس انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی ایران از توقف برنامه‌های توسعه بازار گردشگری افغانستان به‌دلیل تغییر ناگهانی سیاست‌های صدور ویزا انتقاد کرد و از نامه‌نگاری وزیر میراث فرهنگی برای اصلاح این تصمیم خبر داد.

حرمت‌الله رفیعی در گفت‌وگو با ایلنا اعلام کرد که بخش خصوصی پیش‌تر با همکاری نهادهای مربوطه، طرحی نظام‌مند برای ورود کنترل‌شده گردشگران افغانستانی با ویزای یک‌ماهه و سازوکارهای سختگیرانه مالی اجرا کرده بود. در این طرح، شرکت‌های همکار در افغانستان ملزم به ارائه سپرده نقدی ۱۰ تا ۳۰ هزار دلاری به عنوان تضمین بازگشت مسافر بودند و هر گردشگر نیز باید یک میزبان با تعهد رسمی در دفترخانه معرفی می‌کرد. نتیجه این سازوکار موفق، ورود حدود ۲۵۰۰ گردشگر در یک دوره ۴۵ روزه بدون حتی یک مورد اقامت غیرمجاز یا رسوب در کشور بود. به گفته رفیعی، این طرح موفق قرار بود الگواری برای توسعه گردشگری از کشورهای پاکستان و عراق نیز باشد و در مدت کوتاهی بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان درآمد برای هتل‌ها و دفاتر خدمات مسافرتی ایجاد کرد. با این حال، تصمیم ناگهانی وزارت امور خارجه مبنی بر صدور ویزای سه‌ماهه و قابل تمدید برای اتباع افغانستانی، این چارچوب کنترلی را به هم ریخت و روند پویای این بازار نوپا را متوقف کرد.

در پی این اعتراضات، وزیر میراث فرهنگی در ۲۹ مهرماه طی نامه‌ای رسمی به وزیر امور خارجه و معاون وزیر کشور، خواستار بازنگری جدی در این تصمیم شد. این مطالبه همچنین به شورای امنیت کشور منعکس شده و قرار است در هیأت دولت نیز پیگیری شود. رفیعی تأکید کرد که تداوم این وضعیت نه‌تنها بازار مزارشریف و برنامه‌ریزی ایرلاین‌ها را مختل می‌کند، بلکه مانع اصلی در مسیر واگذاری تصدی‌گری امور به بخش خصوصی است. بخش خصوصی امیدوار است با اصلاح این روند، امکان ازسرگیری جذب گردشگران فراهم شود.

> در این طرح، شرکت‌های همکار در افغانستان ملزم به ارائه سپرده نقدی ۱۰ تا ۳۰ هزار دلاری به عنوان تضمین بازگشت مسافر بودند و هر گردشگر نیز باید یک میزبان با تعهد رسمی در دفترخانه معرفی می‌کرد





زاینده‌رود؛ رودی که خشکید و سبز شد

هر روز با قدم گذاشتن در شهر منتظر دیدن همان تصاویر آشنا هستیم. آسمان، خورشید، کوه، درختان و عناصر طبیعی و تاریخی که بخشی از هویت و حافظه جمعی شهروندان را شکل می‌دهند. با این حال، سیمای شهر همواره مطابق این انتظارات پیش نمی‌رود و گاهی تغییرات محیطی، تصاویری متفاوت و ناآشنا را جایگزین مناظر آشنای شهری می‌کنند. در اصفهان، خشک‌شدن زاینده‌رود و تداوم جریان نداشتن آب در بستر آن، به‌تدریج چهره این فضا را تغییر داده است. جایی که پیش‌تر با جریان آب، انعکاس تصویر پل‌های تاریخی، حضور پرندگان و چشم‌انداز غروب خورشید شناخته می‌شد، اکنون در بخش‌هایی با پوشش گیاهی خودرو، علف‌های هرز و بستر خشک رودخانه دیده می‌شود. این تغییر تنها به فقدان آب محدود نمی‌شود، بلکه دگرگونی در یکی از مهم‌ترین عناصر طبیعی و هویتی شهر اصفهان را نشان می‌دهد؛ عنصری که حضور آن در شکل‌گیری منظر شهری، حیات اجتماعی و حافظه تصویری شهروندان نقش داشته است. وضعیت کنونی بستر زاینده‌رود و تغییرات سیمای آن وضعیتی است که تکرار روزمره‌اش نباید به معنای عادی شدن آن تلقی شود. آنچه امروز در بستر رودخانه دیده می‌شود، جایگزینی یک وضعیت موقت و ناخواسته به جای بخشی از هویت طبیعی شهر است؛ تصویری که همچنان می‌تواند برای شهروندان ناآشنا و یادآور اختلالی در منظر آشنای اصفهان باشد.



به وقت گل دهی طلای سرخ

فصل پاییز، زمان به ثمر نشستن «طلای سرخ» در دل کویر و دامنه‌های ایران است؛ هنگامی که دشت‌های خراسان با فرش ارغوانی گل‌های زعفران، مسافر نمی‌پذیرد، بلکه دل می‌برد. امروزه «گردشگری مزرعه» (Agritourism) در این خطه به جاذبه‌ای بی‌نظیر تبدیل شده است. گردشگران و دوستداران طبیعت با سفر به روستاهای هدف گردشگری، از نزدیک در آیین سنتی برداشت، پاک کردن و فرآوری زعفران مشارکت می‌کنند. این تجربه اصیل روستایی، با آشنایی مسافران با سختی‌ها و زیبایی‌های کشت این گیاه ارزشمند، موجب رونق اقتصادی جوامع محلی، توسعه پایدار روستایی و احیای اقامتگاه‌های بومگردی می‌شود.